

اهمیت کار فرهنگی برای کودک و نوجوان در کلام مقام معظم رهبری

نظر مقام معظم رهبری درباره انجام کار فرهنگی برای کودکان و نوجوانان این است که باید گردش کار را تندتر کرد و بیشتر تلاش کرد چون ما می‌توانیم بهتر، عینی‌تر، دقیق‌تر و سریع‌تر کار کنیم و نگذاریم تربیت جوانانمان به دست دیگران بیفتد.



دغدغه مقام معظم رهبری در خصوص فرهنگ جامعه بسیار ریشه‌ای است و در این مورد توصیه می‌فرمایند که از کودکان و نوجوانان غافل نشویم. ایشان می‌فرمایند: بچه شما در آغوش شما، در مدرسه شما، در کتابخانه کانون و جلوی روی شماست و شما برای او فکری، آینه‌ای و امیدواری دارید. ناگهان دسترسی یک نفر بیگانه را مشاهده می‌کنید. شما با این بچه خویشاوندید، شما معلمش، پدرش، یا مربیش هستید؛ لیکن او بیگانه و بی‌علاقه به سرنوشت این بچه است. توجه بچه به همین کالاهای فرهنگی متداول و رسانه‌های گوناگون خبری و فرهنگی، بیشتر از شماست! این، جای نگرانی است و امروز این وجود دارد؛ چه من و شما بخواهیم، چه نخواهیم! (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

اهمیت کار

من به شما عرض کنم که شما مربی عزیز، شما که در کتابخانه با کودک مواجه می‌شوید، شما که قصه می‌گوئید، شما که کتاب می‌فرستید، شما که کتاب می‌خوانید و شما که در کار هنری و آفرینش هنری خودتان، آن کودک را مخاطب قرار می‌دهید، بدانید که الان درست روی نقطه اصلی و اساسی حرکت می‌کنید. شما درست آن کاری را که باید انجام گیرد انجام می‌دهید.

آن کسی می‌تواند از کار خود، شاد و خشنود و از رضای الهی خاطر جمع باشد که خلأ لحظه را پر کند. خلأ لحظه این است و شما این خلأ را پر می‌کنید. پس، این نکته اول در مورد اهمیت کار بر روی کودکان و نوجوانان است؛ یا به تعبیر بهتر، برای کودکان و نوجوانان است که در حقیقت برای آینده، برای خانواده‌ها، برای کشور و تاریخ است. (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

ادبیات قوی

کشور ما خوشبختانه کشور هنر و ادبیات است. نمی‌خواهم به طور مطلق و بی‌مطالعه ادعایی را بکنم که حالا در خیلی از رشته‌های هنری، یا بلد نیستیم، یا عقبیم، یا مقلدیم! در این بحثی نیست؛ لیکن طبیعت این تاریخ، بیشتر یک طبیعت ادبی و هنری است و گذشته ما، طبیعت ما و ادبیاتِ خیلی قوی ما هم این را نشان می‌دهد. (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

نقش زبان

اگر امروز کودک ما فارسی را درست یاد بگیرد و بتواند لغت فارسی را در جایی که لازم دارد، استفاده و مصرف کند، اگر شاعر شد، اگر هنرمند، گوینده، برنامه‌ساز، یا کتاب‌نویس شد، شما دیگر خاطرتان جمع است؛ مثل کتاب‌نویس، فیلمنامه‌نویس، گوینده تلویزیون و افرادی نظیر آنها که در محیط قبلی پرورش پیدا کرده‌اند، نخواهد بود. یعنی شما در حرکت خودتان در کانون، می‌توانید آن دو مقصود و دو وظیفه‌ای را که در باب ادبیات هست، هر دو را با هم تأمین کنید؛ هم ادبیات را پیش ببرید، هم آن را در قشرهای گوناگون، که قشر مخاطب شما کودک است، درست صرف کنید. بنابراین به زبان و ادبیات، باید خیلی اهمیت داده شود. (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

هنر قصه‌گویی

قصه‌گویی، هنر بسیار خوبی است. قصه‌های خوب، سازنده شخصیت کودک است. همان قصه‌های قدیمی را که ما از مادر خودمان، از مادر بزرگ و یا از پیرزن دیگری در کودکی شنیده‌ایم، امروز که مرور می‌کنیم، می‌بینیم در آنها چقدر حکمت وجود دارد! انسان، بعضی از خصال و تفکرات خودش را که ریشه‌یابی می‌کند، به این قصه‌ها می‌رسد. قصه مقوله خیلی مهمی است؛ منتها قصه‌های خوب. سعی کنید در این قصه‌گویی و در این کار هنری، اولین چیزی را که در کودک ایجاد می‌کنید، ایمان باشد. هیچ چیز، معادل ایمان نیست. (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

ایمان نقطه اول راه

شما از این بچه، هرچه بخواهید بسازید، باید در او ایمان به وجود آورید. بدترین ضربه‌ای که امپراتوری خبری و هنری زد، این بود که شبکه عظیم فساد در دنیا را در این سال‌های متمادی راه انداخت که متأسفانه در دوره پهلوی، پَرش ما را هم گرفت، هُر هُر مذهب و بی‌ایمانی را رواج داد که انسان در دل و جان خودش، به هیچ ستونی متکی نباشد! سعی کنید بچه‌ها را با ایمان کنید؛ ایمان به خدا، ایمان به حقیقت مطلق و ایمان به اسلام. اگر این بچه‌ها با ایمان پرورش پیدا کردند و شما توانستید بذر ایمان را در دلشان بکارید، در آینده می‌شود از آنها هر شخصیت عظیمی ساخت و برای هر کاری مناسبند. اگر این عنصر را در آنها نداشته باشیم، برای هیچ کاری

مناسب نیستند؛ هرچه بشوند، نامطمئنند. سیاستمدار شوند، نامطمئنند، تاجر شوند، کارگر شوند، نویسند یا هنرمند شوند، نامطمئنند. سعی کنید ایمان را در بچه‌ها تقویت کنید. این اولین نقطه است. (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

زبان هنر

زبان هنر زبانی است که هیچ چیزی جایگزین آن نیست. حتی در نوشته‌ها هم بایستی هنر به کار برد. حتی در فرهنگ کلامی هم هنر است که اثر می‌گذارد! یک عبارت را شما می‌توانید دو نوع بیان کنید، هنرمندانه و غیرهنرمندانه. اگر هنرمندانه بیان کردید، اثر می‌گذارد ولی همان عبارت اگر غیرهنرمندانه ادا شد، اثر نخواهد گذاشت!

هیچ چیز جای هنر را نمی‌گیرد. امروز فرهنگ استعماری در سطح جهان، فرهنگ متجاوزانه تعبیر کنیم، که می‌خواهد همه دنیا را تسخیر کند، البته این فرهنگ، مقوله مرکبی است، مقوله بسیطی نیست، بیشترین و رونده‌ترین وسیله مورد استفاده و مرکب سیرش، هنر است. فیلم می‌سازند، نمایشنامه، اثر هنری و رمان درست می‌کنند و می‌فرستند. (۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

آزادی فکری

حرف اصلی ما امروز این است که نه با توقف در گذشته و سرکوب نوآوری می‌توان به جایی رسید، نه با رهاسازی و شالوده‌شکنی و هرج و مرج اقتصادی و عقیدتی و فرهنگی می‌توان به جایی رسید؛ هر دو غلط است. آزادی فکر؛ همان نهضت آزادفکری که ما دو، سه سال قبل مطرح کردیم و البته دانشجویها هم استقبال کردند؛ اما عملاً آن کاری را که من گفته بودم، انجام نشده است؛ نه در حوزه، نه در دانشگاه. من گفتم کرسی‌های آزاداندیشی بگذارید. البته حالا اینجا الان یادم آمد که در گزارش‌های مربوط به دانشگاه‌های سمنان خواندم که خوشبختانه مجموعه‌های فعال دانشجویی در سمنان با همدیگر مناظرات آزاد دارند. اگر این گزارش که به من دادند، دقیق باشد، بسیار چیز مثبت و خوبی است. (۱۳۸۵/۰۸/۱۸)

ترکیب‌سازی‌های نو

الان در دوره انقلاب، زبان رائج متداول حرف زدن وارد شعر شده، چیزی که در قبل از انقلاب معمول نبود، البته به شکل‌های مختلف؛ بعضی قوی هستند و از این زبان به شکل خیلی زیبایی استفاده می‌کنند، بعضی هم یک خرده سطحش پائین‌تر است. هیچ اشکالی ندارد که ما از همین زبان محاوره معمولی و رایج خودمان برای بیان آن معانی و معارف استفاده کنیم؛ منتها با ترکیب‌های نو، شکل‌های نو، واژه‌گزینی‌های نو. دوستان باید به این نکته توجه کنند که شعر بایستی از لحاظ موازین زبان، درست باشد؛ فعل‌ها درست به کار برود، در جای خود به کار برود؛ ارتباط بخش‌های جمله، ارتباط منطقی و قانونی باشد. (۱۳۹۰/۰۳/۲۵)